

## تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای نقش منظر در پایداری محیط

## بررسی موردی رودخانه خشک شیراز\*

سید امیر منصوری\*\*

امین حبیبی\*\*\*

**An Analysis of Factors Contributing to the Formation of Landscapes Ensuring Sustainable Environments  
A Case Study of the River Khoshk in Shiraz**Seyed Amir Mansouri\* Ph.D  
Amin Habibi\*\***Abstract**

Landscapes contribute to the formation of local cultures and are a basic component of a country's natural and cultural heritage. They help solidify a region's identity and play an important part in people's lives in urban areas and in the countryside and in wealthy and deprived neighborhoods. Landscapes play a vital role in personal and social developments. Thus, the entire society has a duty to properly protect and manage them. However, only a handful of scientific researches have been conducted about the role of landscapes and their role in sustaining natural environments. A large number of theorists believe in the relationship between humans and nature and ways to preserve and use this relationship in prepared environments but there has rarely been a scientific research to reiterate this necessity. This paper aims at studying the role of landscapes in creating a constructive relationship between people and natural environments as a key factor contributing to development. As a case study, we have looked into the river Khoshk in Shiraz with a three-dimensional approach focused on the river, the city and the people. The overall aim is to integrate this approach into a decision-making system, allowing us to identify factors contributing to the formation of a landscape that can help sustain the environment around the river Khoshk.

**Keywords**

Landscape, Sustainable Landscape, Humans, Environment, Evaluation Factors, the River Khoshk in Shiraz.

**چکیده**

منظر، شالوده‌ای است که به یکپارچگی هویت منطقه‌ای می‌انجامد و بخش مهمی از کیفیت زندگی مردم در سراسر دنیا است: در فضاهای شهری، حومه‌ها، روستاها، فضاهایی با کیفیت بالا و حتی فضاهای بی‌کیفیت... مؤلفه‌ای است محوری در توسعه فردی و اجتماعی... بنابراین محافظت، مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح منظر مسئولیتی مهم برای تمام اقشار جامعه است.

با این وجود پژوهش‌های سازمان‌یافته اندکی در رابطه با نقش منظر و ارتباط آن با پایداری محیطی وجود دارد. بسیاری از نظریه‌پردازان به ارتباط انسان و طبیعت و لزوم حفظ و بهره‌گیری از این تماس در محیط‌های ساخته شده اعتقاد دارند اما این نظریه‌ها در بیشتر موارد بر دیدگاهی هنجاری نسبت به زندگی انسان تأکید ورزیده و کمتر به عنوان یک پژوهش و یک ضرورت در قالب تحقیقات سازمان یافته پرداخته شده است. از این رو نقش منظر برای یافتن منطق سازنده ارتباط بین انسان و محیط طبیعی در تعیین خط مشی توسعه مسئله اساسی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

در چارچوب این مقاله یک روش شناختی برای شناسایی عوامل مؤثر در ارزیابی نقش منظر بر روند تعادل بخشی به محیط و پایداری توسعه رودخانه خشک شیراز به عنوان رودی فصلی به کار گرفته شده است. این روش بر مبنای سه مؤلفه رودخانه، شهر و مردم بنا می‌شود. هدف کلی قرار دادن این روش شناختی در یک نظام تصمیم‌گیری است تا ابعاد و مؤلفه‌های مختلف مؤثر در ارتقای نقش منظر در پایداری محیط رودخانه خشک را درک کرده و بر مبنای ارزش‌های مرجع عملکرد آنها را مقایسه و اثرات آن را تحلیل کنیم.

**واژگان کلیدی**

منظر، منظر پایدار، انسان و محیط، مؤلفه‌های ارزیابی، رودخانه خشک شیراز.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری امین حبیبی با عنوان "نقش منظر در روند تعادل بخشی به محیط و پایداری توسعه در محیط‌های انسان ساخت؛ با تأکید بر جنبه‌های زیبایی‌شناسی منظر" می‌باشد که در دانشگاه تهران در حال انجام است.

\*\* استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. seyedamir.mansouri@gmail.com

\*\*\* پژوهشگر دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. نویسنده مسئول ۰۹۱۷۷۳۸۹۸۴۸ ahabibi.architect@gmail.com

\*Department of Landscape Architecture, University of Tehran

\*\*PhD Student in Architecture, University of Tehran

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین و پررنگ‌ترین مؤلفه‌هایی که می‌تواند به درک و ایجاد رابطه‌ای متعادل بین انسان و محیط بینجامد منظر است. چرا که خود حاصل ارتباط متقابل این دو است. منظر... نقش بسیار مهم و گسترده‌ای در شکل‌گیری بسترهای فرهنگی، اکولوژیک، اجتماعی و محیطی دارد. از طرف دیگر می‌تواند منبعی بسیار حیاتی برای بهره‌برداری و توسعه فعالیت‌های اقتصادی باشد... در ساخت فرهنگ‌های محلی نقش اساسی داشته... و زیرساختی حیاتی در ایجاد میراث فرهنگی و محیطی است. منظر شالوده‌ای است که به یکپارچگی هویت منطقه‌ای می‌انجامد و بخش مهمی از کیفیت زندگی مردم در سراسر دنیاست: در فضاهای شهری، حومه‌ها، روستاها، فضاهایی با کیفیت بالا و حتی فضاهای بی‌کیفیت... مؤلفه‌ای است محوری در توسعه فردی و اجتماعی... بنابراین محافظت، مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح منظر مسئولیتی مهم برای تمام اقشار جامعه است [The European Landscape Convention, 2000]. با این وجود پژوهش‌های سازمان‌یافته اندکی در رابطه با نقش منظر و ارتباط آن با پایداری محیطی وجود دارد. بسیاری از نظریه‌پردازان به ارتباط انسان و طبیعت و لزوم حفظ و بهره‌گیری از این تماس در محیط‌های ساخته‌شده اعتقاد دارند اما این نظریه‌ها در بیشتر موارد بر دیدگاهی هنجاری نسبت به زندگی انسان تأکید ورزیده و کمتر به جنبه‌های ذهنی ارتباط مذکور در روند مداخلات انسانی به عنوان یک پژوهش و یک ضرورت در قالب تحقیقات سازمان‌یافته پرداخته شده است. یکی از چالش‌هایی که مقدمات و ضرورت نوشتار را بنیان می‌نهد چگونگی درک الگوها، مؤلفه‌ها و فرآیندهای موجود در فاصله انسان و جامعه و طبیعت و معرفی آنهاست. ارتباط متقابل انسان و محیط طبیعی در شهر، روستا و به طور عام هر محیطی که بشر نشانی از تمدن را به جای گذاشته است منجر به ظهور منظر منحصر به فردی شده است که گواه مدنیت، بینش و حیات جمعی آن جامعه است. منظر همواره تابع اصول و منطقی شکل گرفته است که پیرو آن تداومی مبتنی بر زیبایی، خوانایی، عملکرد و هویت‌یافته است. شناخت منظر به مفهوم دریافت رابطه متقابل انسان و محیط در طول تاریخ است. محیط مصنوع توسط عناصر منظر و از طریق نظام خاصی که بین آن عناصر برقرار می‌شود شکل گرفته و واجد هویت می‌گردد. از این رو نقش منظر برای یافتن منطق سازنده ارتباط بین انسان و محیط طبیعی در تعیین خط مشی توسعه مسئله اساسی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

## ضرورت پژوهش

ظواهر محیط طبیعی از جمله فرم زمین و توپوگرافی، پوشش گیاهی، اقلیم و وجود آب، ظواهر فرهنگی مانند پل‌ها، قلعه‌ها، عبادت‌گاه‌ها و... واکنشی در برابر محیط هستند و تاریخ اجتماعی، موقعیت فیزیکی، فعالیت‌های انسانی و مکان به عنوان یک محصول فرهنگی و تجربه حسی هستند که در وهله اول بصری و معلول روابط متقابل بین فرهنگ و محیط موجود است [شولتز، ۱۳۸۲]. فقدان روح مکان نتیجه ناتوانی در درک یا پاسخگویی بر این روح در تلفیق متقابل موارد فوق است توسعه‌های امروزی در محیط‌های انسان‌ساخت از این کمبود که ما آن را بی‌مکانی می‌نامیم رنج می‌برند. الگوهای توسعه و نحوه برخورد و مداخله انسان در محیط طبیعی باید ضامن توسعه فرهنگ بومی، تمدن و باورهای اعتقادی سرزمینی باشد، نه فقط تضمین‌کننده بقاء، ثبات و پایداری محیط زیست، تا بتواند در جریان تغییر و تحول پدیده‌ها آن را ثابت و پایدار نگه دارد. نبود چنین الگوهایی جهت توسعه همه‌جانبه محیط به منظور حفظ تعادل ارتباط انسان و محیط طبیعی به انجام مطالعات منسجم و جامع در این رابطه تأکید می‌ورزد. مطالعه سوابق مداخلات انسانی در محیط طبیعی و میزان توجه محیط‌های انسان‌ساخت به لزوم ارتباط بین انسان و طبیعت در این روند بیانگر یک رویکرد نسبتاً فیزیکی در توزیع عناصر طبیعی در این محیط‌ها می‌باشد که در روند توسعه همه‌جانبه به ویژه در حوزه معماری کافی نیست.

## هدف پژوهش

طراحی محیط و منظر با عوامل تشکیل‌دهنده آن (طبیعی و انسان‌ساخت) مرتبط است که با شناخت صحیح و آگاهی و خلاقیت به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی، معنوی و روانی انسان، فضا و محیطی را ایجاد می‌کند تا در جهت ارتقای کیفیت محیط و مناسب‌سازی آن برای تداوم زندگی مطلوب انسان ایفای نقش نماید. به این ترتیب می‌توان با شناسایی و بکارگیری مؤلفه‌های مؤثر در منظر و چگونگی تجلی کیفی آن به راهبردهایی جهت تبیین نقش آن در توسعه پایدار محیط دست یافت. هدف این پژوهش نیز

بر این اساس تدوین شده است. به منظور روشن تر شدن موضوع به طور متمرکز هدف تحقیق شناسایی عوامل و فاکتورهای مؤثر در ارزیابی منظر و تبیین شاخص‌های ارزیابی آن است تا بتوان از آن معیارها و مؤلفه‌ها در جهت هرگونه تصمیم‌سازی یا طرح توسعه‌ای رودهای فصلی استفاده کرد.

### فرضیه

منظر به مثابه مفهومی جامع و کاربردی در ساماندهی محیط است که به تعامل همه‌جانبه ارتباط انسان و طبیعت می‌انجامد؛ بنابراین محیط‌هایی که به این طریق شکل می‌گیرند غالباً دارای حس مکانی قوی خواهند شد. در ضمن این محیط کارایی داشته و خود کفاست و از آنجا که حرکات انسان در این فرضیه در ترکیب با حرکات بوم شناختی است نیروهای طبیعی سعی در تخریب آن نداشته بلکه حتی عملکرد آن را تقویت کرده حفاظت از آن را تسهیل می‌کنند. بنابراین فرضیه شرط تحقق پایداری در مداخلات محیطی (برنامه‌ریزی، طراحی) و دستیابی به تعادل در گروهی توجه به مؤلفه‌ها و معیارهای مرتبط با کیفیت منظر است.

### روش پژوهش

در چارچوب این مقاله می‌توان یک روش شناختی را برای ارزیابی نقش منظر در باز زنده‌سازی رودخانه خشک شیراز ابداع نمود که در آن بر پژوهش عمیق در تفسیر کیفیت منظر و ارزیابی آن تأکید ویژه‌ای وجود دارد ارزیابی‌های دقیق کارشناسی و نظارت‌های کلی و عمومی لحاظ شده است. در اینجا هدف کلی قرار دادن این روش شناختی در یک نظام تصمیم‌گیری است که به ما این اجازه را می‌دهد که ابعاد و مشخصه‌های مختلف قابل ارتقاء در طرح باز زنده‌سازی رودخانه را درک کنیم و بر مبنای ارزش‌های مرجع عملکرد آنها را مقایسه و اثرات آنها را تحلیل کنیم. به طور کلی در مرحله اول براساس روش جستجو و مطالعه ادبیات موضوع، چارچوب نظری معیارهای مادر تبیین گشته و پس از آن در سه مرحله فرآیند ارزیابی انجام می‌پذیرد. مرحله آغازین شامل ارزیابی کیفی و پدیدارشناسانه بر اساس معیارهای تبیین شده با توجه به شالوده نظری است. سپس با استفاده از روش‌های ثبت الگوهای رفتاری کاربران، مصاحبه و تهیه پرسشنامه انجام گرفته است. در مرحله بعد پیمایشی کمی در آنالیز نتایج و تحلیل یافته‌ها انجام گرفته و نهایتاً با ترکیب تحلیلی داده‌های کمی و کیفی روند ارزیابی منجر به نتیجه‌گیری گشته است. اساس ارزیابی در این پژوهش روشن‌سازی و تدقیق ریز معیارها بر اساس معیارهای استخراج شده چارچوب نظری و مطالعه پدیدارشناسانه کاربران می‌باشد.

در این راستا از طریق مورد مطالعه قرار دادن رفتار کاربران و انجام مصاحبه سعی گردید که سنجه‌ها تدقیق شده و به معیارهایی قابل اندازه‌گیری بدل شوند. به طوری که با سرنخ‌های بدست آمده از مطالعات اولیه، مصاحبه و ثبت الگوهای رفتاری روشی حسی-تشخیصی پیش گرفته شد تا نمونه‌های مورد مطالعه نیز به ارزیابی بی‌طرفانه و قضاوت در مورد مکان و ارائه دلایل خود درباره خوب یا بد انگاشتن مکان مورد نظر پردازند. محورهای اصلی سؤالات معیارهای تبیین شده می‌باشند. سپس نتایج داده‌ها آنالیز شده و با تطبیق با یافته‌های بدست آمده دیگر به صورت نتایج نهایی ارائه گشته‌اند.

### فرا معیارها و تئوری‌های بالا دست

#### پارادایم پایداری

یکی از حوزه‌های نظری فرادست این پژوهش پارادایم پایداری است. پارادایمی جامع که وجوه مختلف سیاست‌گذاری‌های زندگی انسان امروز در تعامل با محیط را در بر می‌گیرد. مفاهیمی چون توسعه پایدار، مکان پایدار و جامعه پایدار امروزه جنبه‌های مختلف تعامل انسان و محیط را در بر می‌گیرند. بارتون<sup>۱</sup> معتقد است که توسعه پایدار تمرکز توسعه بر مردم و برقراری عدالت برای نسل‌های جاری و آینده است [عزیزی، ۱۳۸۰].

در تعریف مکان پایدار آمده است: "مکانی که به واسطه ویژگی‌های طبیعی یا انسان ساخت، قادر به ارتقای شرایط فیزیکی، عملکردی، فرهنگی و سازمانی است که نیروها و قابلیت‌هایی ماندگار برای ارتقا کیفیت زندگی انسان به وجود آورد" [Phillips, 2003].

همچنین جامعه پایدار نیز این چنین تعریف شده است: "یک جامعه پایدار در راستای توسعه کیفی و نه توسعه‌ای فیزیکی گسترش می‌یابد و منابع گسترش را به مثابه ابزاری قابل ملاحظه و نه اختیاری همیشگی، نه به منظور رشد بی‌حد و حصر و نه بر علیه رشد بکار می‌گیرد. بلکه انواع و اهداف توسعه را مشخص کرده، پیش از هرگونه اتخاذ تصمیمی برای توسعه به هدف، قصد، مزایا، هزینه‌ها، زمان و نهایتاً انطباق‌پذیری آن با منابع و ملاحظات زمین می‌پردازد" [Ibid].

پژوهش‌های بسیار کمی در خصوص تبیین جایگاه منظر در پایداری محیط صورت گرفته است. البته باید به این نکته اشاره کرد که در این حوزه مفاهیمی چون پایداری، محیط طبیعی، طبیعت، اکولوژی و منظر واژه‌هایی پرکاربرد با دامنه تعریف گسترده می‌باشند که در نگاه‌های مختلف بار معنایی خاصی را در بر می‌گیرند. بنابراین طرح نقش منظر در پایداری محیط به عنوان عنصری عینی از زمینه مطالعاتی گسترده‌ای برخوردار است اما در زمینه عناصر ذهنی منظر پژوهش‌های بسیار کم و بعضاً در حد اظهار نظرهایی هنجاری؛ ادبیات موضوع اندکی را به خود اختصاص داده است.

#### منظر و پایداری محیط

سخن مشترک غالب نوشته‌های معاصر بر این نکته که منظر راه موثری را برای شناخت جهان هموار می‌کند تأکید دارد [Seddon, 1997]. این مسئله چارچوبی مفهومی از محیطی که در آن زندگی می‌کنیم فراهم می‌کند، محیطی که ما در آن چیزی را که می‌بینیم آنالیز کرده و سپس حس می‌کنیم... همچنین منظر پایه‌ای سیستماتیک را برای فهم الگوهای فضایی - مکانی و فرایندهایی که در اطرافمان می‌بینیم و راهی که مردم محیط را با خواست‌ها و نیازهایشان همسو می‌کنند بنا می‌نهد؛ بنابراین فهم منظر فضای اندیشیدن به محیط به طرق گوناگون را فراهم می‌کند [Swaffield, 2005: 12].

به نظر می‌رسد بقای انسان به عنوان یک گونه، به انطباق وی و منظر یعنی سکونتگاه‌ها، ساختمان‌ها، رودخانه‌ها، مزارع و جنگل‌ها با روشی نو و پایدار بستگی دارد و نیز به شکل‌دادن به زمینه‌ها به گونه‌ای که ارتباط با هوا، زمین، آب، زندگی و با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته و کمک کند تا این ارتباطات را درک و احساس نماییم و بالاخره منظرهایی ایجاد شود که دارای عملکرد بوده، پایدار، بامعنی و هنرمندانه باشد. همه می‌توانند منظر را بیاموزند، بخوانند و آنچه را می‌خوانند بفهمند و شعور نویی را به زندگی در شهر، حومه و روستا ابراز دارند تا قدرت بیان منظر آن گونه که حیات ما وابسته به آن است پرورانده شود [اسپیرن، ۱۳۸۴: ۳۴]. منظر تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی دارد و نباید آن را به اقتصاد یا تصمیمات صرفاً حرفه‌ای واگذار کرد. زیرا بین الگو و فرایندهای سازنده زمین، ادراک ما از آنها و پیوند دائمی با زیبایی ارتباط مستقیمی وجود دارد که جنبه‌های فیزیکی زمین را به جنبه‌های ادراکی منظر تبدیل می‌کند [بل، ۱۳۸۲: ۹۱]. منظر یک فهم با اهمیت و قابل استفاده از دانش فراموش شده بشری است [Austad, 2000]. فهم و شناخت این مناظر برای حفاظت از آنها و استفاده در طراحی ضروری است [Fry & Sarlo herlin, 1995].

در کشورهای آسیایی و در حال توسعه هنوز این امکان وجود دارد که آنها توسعه پایدار محیطی شان را بر اساس سنت‌ها و ارزش‌های صحیح فرهنگی، بومی و طبیعی خود ساخته و گسترش دهند [Naveh, 2007: 1438]. مفهوم منظر بیش از یک ناحیه را با کاربرد و یا عملکرد خاص در بر می‌گیرد. آنتروپ منظر را به عنوان یک مفهوم ترکیبی و یکپارچه مورد توجه قرار می‌دهد که هم به حقیقت مادی فیزیکی برمی‌گردد که از یک تعامل دینامیک مداوم بین فرایندهای طبیعی و فعالیت‌های انسانی ناشی می‌شود و هم به ارزش‌ها و سمبل‌های ذاتی غیر مادی که منظر بر آنها دلالت می‌کند [Antrop, 2006: 188]. بنابراین تعامل بین طبیعت و فرهنگ به عنوان یک ویژگی ضروری منظر مورد توجه قرار می‌گیرد [Palang and Fry, 2003: 85] و بعد

مهمی از پایداری به شکل سنتی تشکیل می‌دهد [Austad, 2000: 49]. کاراکتر منظر به عنوان توضیحی از یک هویت منحصر به فرد از یک منطقه یا یک کشور مورد توجه قرار می‌گیرد که توسط افرادی که در آنجا زندگی می‌کنند شکل گرفته است. بنابراین منظر به بطن یک جامعه بر می‌گردد [Perdoli, 2000: 221]. منظر قابل مشاهده و تماشایی و معنای شناختی آن ارتباط نزدیکی با منظر به عنوان یک مسیر از زمین دارد که تحت مالکیت و مدیریت افراد است [Cosgrove, 2002: 260]. بنابراین تغییرات سریع و بدون مطالعه منظرها توسط بشر به عنوان یک تهدید به حساب می‌آید. انسان در تعادل با محیط بسیار دینامیک جدید احساس ناراحتی می‌کند و ممکن است به سختی با منظر که مدام در حال تغییر است سازگار شود [lorzing, 2001: 175]. موضوع ناپایداری منظرهای فرهنگی - سنتی و منظرهای نو ظهور یک موضوع جدید در بسیاری از کنفرانس‌ها و کارگاه‌های علمی بین‌المللی اخیر شده است [Perdoli, 2000: 221]. آشکار است که منظرها بخشی از میراث فرهنگی بشر هستند و این میراث به عنوان بخشی از سرمایه ذهنی و فکری مورد توجه و مهم است [Antrop, 2006: 189].

کاسگروف<sup>۲</sup> معتقد است منظر را از دو مبحث کلی می‌توان دید :

اول رویکرد اکولوژیکی که بر فرایندهای انفعالی بین طبیعت و انسان متمرکز می‌شود و دوم که وی آن را جنبه رمزی<sup>۳</sup>، نامیده است به معنای فرهنگی، متن و زمینه و فرایندهای منظر که در شکل دهی به محیط موثرند اطلاق می‌شود [Cosgrove, 2003]. این رویکرد دوم ارتباط آشکاری با مفاهیم انسانی و فرهنگی و ذهنی بشر دارد.

اساس همه‌جانبه منظر به معنای تلفیق بین جنبه‌های طبیعی و انسانی در یک حالت پایدار است. حفظ ارزش‌های موروثی، فرهنگی - طبیعی منظرها به پایداری ارزش‌های موجود در مداخلات محیطی می‌انجامد [Antrop, 2006: 190]. بنابراین برای اینکه بتوانیم اخلاقیات را در زندگی خود حاکم کرده و به مدد آن بقای خود را تضمین نماییم ابتدا باید بپذیریم محیط‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم متأثر از ذهنیت بوده و با افراد بشر در ارتباطند... این حقیقتی است که از اتوپیای مدرن بسیار فراتر می‌رود و فقط مناظرند که به طور روزمره آن را به ما نشان می‌دهند [برک، ۱۳۸۷: ۸۹].

### تبیین و تدقیق مؤلفه‌های ارزیابی

براساس بررسی‌ها و تعاریف انجام‌شده در حوزه‌های بالادستی یک روش سه مؤلفه‌ای طراحی شده است که سه بعد آن عبارتند از: رودخانه، شهر و مردم [mingers, 2001: 290]. در اینجا می‌توان رودخانه را به عنوان جهان ماده (طبیعی)، شهر را به عنوان جهان اجتماعی و انسانی و مردم را در نقش مدرک و برداشت‌کننده ذهنیات از فضا در نظر گرفت که منظر و پایداری به عنوان حوزه‌های بالادستی آنها ایفای نقش می‌کنند (تصویر ۱).

این سه قطب می‌توانند تأثیر اساسی بر روی کیفیت منظر این آبرو شهری داشته باشند.

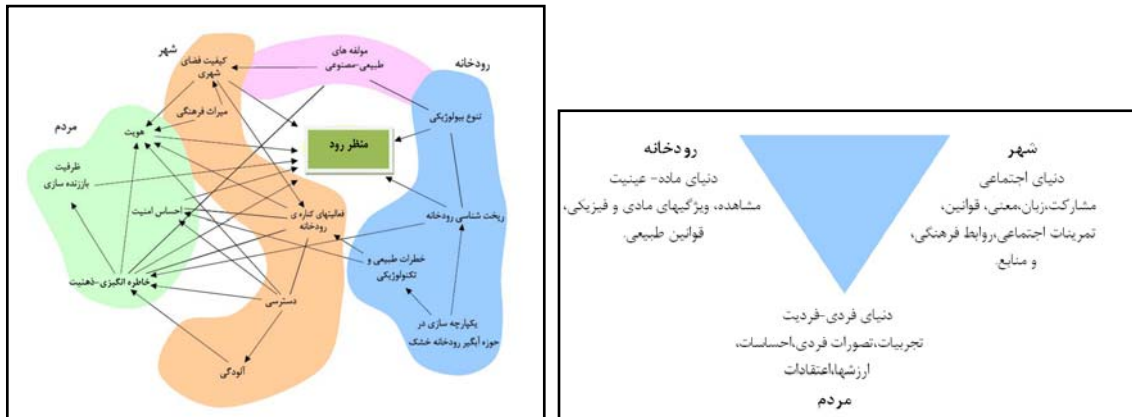
در این مرحله به تعمیم ایده‌ها و جنبه‌های مرتبط در نظر گرفته شده ارزیابی می‌پردازیم. این کار با استفاده از یک پانل کارشناسی به شرح ذیل انجام گردید :

الف- تعداد زیادی از ایده‌ها و مفاهیم مطرح شد که در مسیر پژوهش، تا حدودی تأثیرگذار بود.

ب- تحلیل مفاهیم و روابط به دست آمده پانل کارشناسی و یافته‌های نظری کتابخانه‌ای منجر به یک نقشه شناختی گردید که در طول مسیر پژوهش به کار خواهد رفت.

ج- ایجاد شبکه‌ای از دیدگاه‌های مرتبط با فرآیند ارزیابی رودخانه خشک مطابق با سه بعد رودخانه شهر و مردم (تصویر ۲).

د-مدل‌سازی از طریق طراحی یک فرآیند ارزیابی و با کمک کاربران (مصاحبه و پرسشنامه) و مقایسه ارزش‌های تشخیصی داده شده، به دیدگاه‌های انتخابی که منجر به ایجاد یک پروفایل ارزیابی می‌گردد.



تصویر ۲. شبکه ارتباطی بین مؤلفه‌های مرتبط در ارزیابی منظر رودخانه خشک. مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۱. رابطه مردم-رودخانه-شهر مأخذ: mingers,2001

### ویژگی عناصر طبیعی در منظر شهری

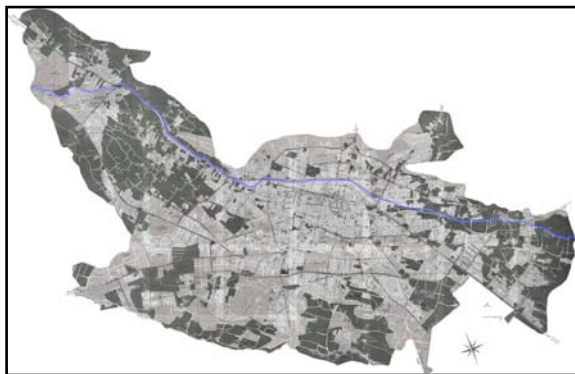
در منظر شهری تعادل عناصر طبیعی و محیط مصنوع هدف مهمی در توسعه شهری محسوب می‌شود. چرا که موجب افزایش کیفیت زندگی انسان و اثرات بازیافتی عناصر طبیعت و شهر می‌گردد [kaplans,1995]. آب یک منبع طبیعی کلیدی در پایداری محسوب می‌شود و نقش مهمی را در کیفیت محیطی شهر ایفا می‌کند رابطه بین آب و شهر صورت پیچیده‌ای دارد و به ابزارها و فرآیندهای خاصی نیاز دارد که بر همه سطوح مدیریت شهری اثر می‌گذارد. وجود و عبور رودخانه خشک در شهر شیراز مشخصه‌هایی متفاوت در مورد محیط شهری ایجاد می‌کند که باید مد نظر قرار گیرد. علاوه بر جنبه‌های تاریخی، جغرافیایی و ریخت‌شناسی ابعاد دیگری نظیر کیفیت آب، آسیب‌پذیری ناشی از سیل، قابلیت دسترسی، ارزش رو به افزایش منظر و زیبایی‌شناختی و استفاده از آن برای افزایش جذابیت سیمای شهر را می‌توان نام برد [Silvia et al.,2003].

در این بین بهبود کیفیت آب و جاری کردن آن در مسیر فعلی رودهای فصلی یکی از نیازهای مبرم می‌باشد [EC,2000]. در این مقاله ارزیابی ارزش مؤلفه‌های منظر رودخانه صورت می‌پذیرد و پتانسیل و قابلیت آن برای باززنده‌سازی با هدف ایجاد یک روش‌شناسی جهت ادغام با فرآیند سنجش کلی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا باززنده‌سازی رودخانه خشک حاصل شود.

### معرفی نمونه‌موردی: رودخانه خشک شیراز

از قرن‌ها پیش تاکنون مدح و ستایش از زیبایی‌های طبیعت شیراز در اشعار و نوشته‌های شعرا و مورخین و گردشگران ایرانی و غیر ایرانی برجسته بوده است چنان‌که گوته شاعر شهیر آلمانی در دیوان شرقی خود شیراز را این‌گونه توصیف می‌کند: "راستی آیا این پستی و بلندی‌های زیبا سراپرده‌هائیت که وزیر سلطان ... برافراشته، آیا این پوشش زیبای زمین فرشی است که زیر پای سوگلی او گسترده شده، همه جا چنان سرخ و سفید است که زیباتر از آن منظره‌ای نمی‌توان دید" [گوته، ۱۳۸۰]. با توجه به همین بستر طبیعی است که گرایش مردم شیراز به گذراندن اوقات فراغت در دامان طبیعت شهر یا هر جا که نشانی از آن باشد فراوان است. یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی موجود در شهر رودخانه خشک است که در گذشته خرم دره نام داشت. رودخانه خشک که خط‌القعر بستر طبیعی شهر را می‌سازد از غرب به شرق شهر شیراز حرکت کرده و نهایتاً به دریاچه مَه‌ارلو (نمک) در شرق شیراز می‌ریزد. همان‌طور که از نام رودخانه برمی‌آید، رودخانه در نیمی از سال خشک است و در سال‌های پرآب از اواسط پاییز تا اواسط بهار جریان‌های سیلابی ناشی از بارش را به دریاچه نمک منتقل می‌کند. در سال‌هایی که خشکسالی وجود دارد رودخانه در اکثر ماه‌های سال بدون آب است [مسکن و شهرسازی فارس، ۱۳۷۰].

این اندام طبیعی که به صورت یک عنصر منسجم تمام طول خطی شهر را فراگرفته است تأثیرات قابل ملاحظه‌ای را در اکوسیستم و کیفیت‌های اکولوژیکی شهر بر جای نهاده است. علاوه بر این موضوع کیفیت محیط مصنوع و سازمان ادراک شهر را شدیداً تحت تأثیر قرار داده است و در انتظام بخشی و خوانایی ساختار طبیعی و مصنوع شهر نقش مؤثری دارد که مانند ستون فقرات اتصال‌دهنده اجزا سازمان کالبدی در کل پهنه شهر به حساب می‌آید (تصویر ۳).



تصویر ۳. موقعیت رودخانه خشک در شهر شیراز. مأخذ: شهرداری شیراز.

رودخانه خشک طول زیادی از ساخت و سازها را در اطراف به خود اختصاص داده است. از یک سو سیلابی بودن رودخانه تهدیدی برای شهر بوده و از سوی دیگر چهره پرآب آن می‌تواند در ارتقا کیفیت بصری و بهبود کیفیت سیمای شهری شیراز مؤثر باشد که خود گامی مؤثر در جهت توسعه پایدار شهری می‌باشد. لذا برای تحقق این هدف پس از مهار سیلاب می‌توان از آب به دست آمده در توسعه فضاهای متنوع و سبز شهری استفاده کرد. همچنین فراهم آوردن شرایط برقراری آب دائم و ایجاد سفره آب در داخل آن حوزه اکولوژیکی و کیفیت محیطی جدیدی بر قابلیت‌های طبیعی شهر می‌افزاید و حوزه گردشگری را رونق می‌بخشد. پارک خطی "باغ بلند" چمران که در طول بلوار چمران در جوار رودخانه و باغات احداث شده با وجود رستوران‌های متنوع و متعدد رونق و حیاط شهری خاصی به این بخش از شهر خواهد بخشید که به قابلیت‌های اکولوژیکی رودخانه افزوده است.

### ویژگی‌های طبیعی در منظر رودخانه



تصویر ۴. پوشش طبیعی و مورفولوژی رودخانه خشک در منطقه چمران شیراز. مأخذ: نگارندگان.

عناوین کلی برای بررسی ویژگی‌های طبیعی رودخانه عبارت است از:

الف. تیپولوژی رودخانه ب. ریخت‌شناسی رودخانه ج. مؤلفه‌های بیولوژیکی د. بلایای طبیعی.

ارزش اکولوژیکی رودخانه در ارزیابی ارزش منظرین آن مؤثر است. در این زمینه برخی مشخصه‌های مؤثر بر رودخانه خشک عبارت است از: اندازه آبیگر، میزان جریان آب در نقاط مختلف، عرض رودخانه و ریخت‌شناسی رودخانه خشک.

منظر می‌تواند به تعادل بین ریخت‌شناسی طبیعی و بخش‌های تغییر یافته توسط انسان نیز بستگی داشته باشد (مثل تنظیم، ایجاد کانال و یا سایر اطلاعاتی که بر روی رودخانه انجام شده است) به عنوان مثال فرم موجی شکل رودخانه در برخی نقاط می‌تواند عمق میدان، ابهامات، نقاط کانونی و سایر فاکتورهای مؤثر در کیفیت منظر را ارتقاء دهد (تصویر ۴).

خطر مربوط به بلایای طبیعی عمدتاً وابسته به مشخصه‌های طبیعی همچون ساختار زمین‌شناسی و وضعیت هیدرولوژیکی می‌باشند. با این حال این خطر در برخی نقاط رودخانه خشک ممکن است با مداخلات انسانی همچون استفاده نادرست از زمین افزایش یابد و آن را به تهدیدی تکنولوژیک تبدیل کند که نهایتاً سبب ایجاد احساس عدم امنیت در ذهنیت کاربران شده و بر چهره زیبایی‌شناختی رودخانه اثر می‌گذارد.

مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی
کیفیت فضای شهری	قابلیت نفوذبصری (عمق و عرض میدان دید)
	تراکم نقاط نشانه
	کیفیت محیط مصنوع
	کاربری‌های رفاهی و عمومی کناره رود
	تراکم ساخت و ساز
میراث فرهنگی	میراث فرهنگی
	تنوع کاربری‌ها
فعالیت‌ها	جذابیت حاشیه رودخانه
	عرض رودخانه (وجود پل و کاربری آنها)
	سطح پارکینگ‌ها
	حمل و نقل عمومی
	پیاده‌روها و مسیرهای عبور دوچرخه
	امکان حضور قایق‌های تفریحی
دسترسی	سطح تراز تقاطع‌ها (پل‌ها و ...)
	زیست‌محیطی
	آلودگی
	بصری
	صوتی

جدول ۱. مجموعه‌ای از دیدگاه‌های پایه‌ای و ساختاری در ارزیابی رودخانه. مأخذ: نگارندگان.

### شهر (محیط مصنوع و منظر)

در ساختار بندی پروژه پنج دیدگاه اصلی به عنوان موارد اصلی مطرح شده‌اند که می‌تواند مجموعه گسترده‌ای از معیارهای مؤثر در ارزیابی منظر شهر-رودخانه را توصیف و بر آن اثر بگذارند.

۱- کیفیت فضای شهری ۲- میراث فرهنگی ۳- فعالیت‌های انجام شده روی کناره رودخانه ۴- قابلیت دسترسی ۵- آلودگی با استفاده از پنج مورد فوق می‌توان به ارزیابی کیفیت فضای شهری مرتبط با رودخانه خشک پرداخت.

قابلیت دسترسی بصری، وجود پرسپکتیوهای متنوع از رودخانه با توجه به تغییر پهنای آن، نقاط تماس ممکن با سطح آب جاری (در صورت وجود آب جاری) قویاً تحت تأثیر ریخت‌شناسی شهری و تنوع ایده‌های ممکن از ساختمان‌های اطراف رودخانه می‌باشد. نقاط نشانه در منظر رودخانه وجود نقاط عطف در دهلیز رودخانه آنها را که به صورت فیزیکی وجود دارند تشریح می‌کند (روش شناخته شده لینچ می‌تواند بکار رود).

از نظر لینچ محیط زیست وسیله‌ای برای برقراری ارتباط اجتماعی است. افراد از طریق محیط زیست ارزش‌ها و احساسات و اطلاعات و یا رفتارشان را به هم منتقل می‌کنند. از نظر او پنج عنصر شکل شهری برای درک فضای خوب شهر نیاز است: راه، گره، لبه، نشانه و محله [لینچ، ۱۳۸۴].



مؤلفه‌های اصلی		مؤلفه‌های فرعی
رودخانه	ریخت‌شناسی رودخانه	شکل موجی رودخانه
		شکل ساحل رودخانه
		حضور محیط طبیعی در رودخانه
	تپولوژی رودخانه	ابعاد حوزه رودخانه
		نظام شکلی رودخانه
		عرض رودخانه
	مؤلفه‌های بیولوژیکی و زیستی	تنوع گونه‌های زیستی
		حضور گیاهان و فضای سبز در ساحل رود
		میزان تراکم گیاهی در ساحل
	بالایای طبیعی	تنوع گیاهی در رودخانه
		خطر آب گرفتگی
		خطر فرسایش و ریزش جداره‌ها

جدول ۲. مؤلفه‌های مؤثر در ارزیابی شهر.  
مأخذ: نگارندگان.

"لینچ" در کتاب "سیمای شهر" به تفسیر شهرهایی که از دید او آراسته و زیباست می‌پردازد. اکثر شهرهایی که وی به آنها اشاره دارد در کنار رودخانه و فضاهای آبی طراحی شده‌اند.

فرصت موجود است تا شهرهای تازه خود را به قسمی بسازیم که سیما و منظره‌ای نمایان داشته باشد، یعنی مناظر آنها روشنی و پیوستگی داشته و به آسانی به دیده آیند و برای انجام این امر، ساکنین شهر باید روشی تازه اتخاذ کنند که عرصه زندگی‌شان را فرم‌هایی بخشد که به دیده نشینند و نظام آن در مراحل گوناگون در زمان و در فضا میسر باشد و نشانه و معرف زندگی شهری گردد [لینچ، ۱۳۸۷].



تصویر ۵. از چپ به راست: دسترسی عرضی-جاذبه طبیعی-آلودگی. مأخذ: نگارندگان.

امکانات عمومی ارائه شده در دو سوی رودخانه کیفیت دسترسی به ارزش‌های منظرین رودخانه را نشان می‌دهد. تعادل بین نواحی باز عمومی در شرایط مناسب و نواحی باز خصوصی می‌تواند اهمیت مورد نظر از سوی جامعه و مسئولان اجرایی مربوطه به این مورد را نشان دهد.

همچنین تراکم کمتر ساختمانی در حاشیه‌های رودخانه خشک می‌تواند در کارکرد کیفی منظر رودخانه نتیجه بهتری داشته باشد. میراث فرهنگی مربوط به منظر شهر- رودخانه می‌تواند در بردارنده میزان خاطرات دوران گذشته و وجه اجتماعی آن باشد. همچنین در نظر گرفتن فعالیت‌های انسانی در ساحل رودخانه نیز بسیار اهمیت دارد چرا که با افزایش تماس بین انسان و رودخانه امکان بر هم کنش و تعامل بین این دو نیز افزایش می‌یابد.

تنوع کاربری‌ها موجب غنی‌تر شدن منظر شهری می‌شود. جذابیت این کاربری‌ها به صورت غیر مستقیم بر روی منظر تأثیر می‌گذارد و عواملی در این راستا دخیل هستند که عبارتند از وجود فعالیت‌های تفریحی و توریستی، وجود فعالیت‌های اقتصادی و واحدهای تجاری خاص و برگزاری اعیاد و مراسم خاص مذهبی و اجتماعی در حاشیه رودخانه خشک.

قابلیت دسترسی یک عامل غیر مستقیم است که امکان لذت بردن مردم از ارزش‌های منظرین نواحی کنار رودخانه را افزایش و یا کاهش می‌دهد. همچنین راه رسیدن مردم به رودخانه اهمیت زیادی دارد. در تمام نقاط شهر پل‌ها تنها به عنوان یک ابزار عبور از رودخانه طراحی و ساخته شده‌اند که در هیچ کدام استفاده از پل به عنوان یک نگاه جهت داشتن دید و منظر به رودخانه لحاظ نشده است (تصویر ۵).

در صورت آگیری رودخانه خشک حمل‌ونقل آبی، حرکت و روحیه زندگی را به شهر می‌افزاید که باید در اندازه مناسب کنترل شود. فعالیت‌های توریستی و تفریحی مرتبط با آب نیز جذابیت خاصی دارد. دسترسی به کناره‌های رودخانه یکی از پیش نیازهای توسعه استفاده همگانی مردم است که باید در ارتباط با طبیعت و پایداری منظر به صورتی متعادل مورد استفاده قرار گیرد.

اتومبیل‌های شخصی نیز می‌تواند موجب اثرات زیست‌محیطی و در معرض خطر قرار دادن کیفیت منظر رودخانه گردد که با توجه به روند فعلی باید به حداقل میزان خود برسد.

به منظور تأمین اصول پایداری منظر رودخانه باید راه‌حل‌های مناسب‌تر و پایدارتری برای انتقال و عبور و مرور جایگزین کرد. سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی گزینه‌های مناسب‌تری برای حمل‌ونقل در کناره‌های رودخانه به جای اتومبیل شخصی است. اگر رودخانه کانون توجهات زیادی باشد و وقایع زیادی در آن صورت گیرد باید مسئله راه‌های اصلی شهری که از رودخانه به عنوان دهلیز استفاده می‌کنند را با دقت بررسی کنیم چرا که این مسئله سبب گسستگی در شهر شده و امری مخرب است [manning, 1997:79].

### مردم - ادراک انسانی از منظر

معیارهای اصلی در رابطه مردم و رودخانه را می‌توان به شرح ذیل عنوان کرد:

ادراک عمومی از منظر رودخانه ۲- هویت مکانی ۳- ظرفیت بازیابی

"ادراک عمومی از منظر رودخانه" به فرآیند استخراج مفهوم از محرک‌های پیچیده در منظرهای رودخانه گفته می‌شود. بدیهی است که ادراک محیطی به عناصر فیزیکی در چشم انداز و سلسله مراتب آنها بستگی دارد؛ علاوه بر اینها عوامل شخصی، فرهنگی، و آموزشی نیز در این امر دخیل هستند. ادراک عمومی از منظر رودخانه اطلاعاتی مهم را در مورد گرایش‌های مردمی و رفتار آنها در منظر حاصل می‌کند. به منظور درک "ادراک عمومی منظر رودخانه" باید نوع شناخت، احساس و رفتار کاربران آن را مشخص نمود. که این امر به وسیله پرسشنامه و بررسی میدانی حاصل شده است و نتایج آن در جدول ارزیابی آمده است. معیار دوم هویت مکانی است و عموماً به ابعادی از شخص اشاره می‌کند که هویت شخصی فرد در ارتباط با محیط فیزیکی توسط الگوی پیچیده‌ای از ایده‌های آگاهانه و غیر آگاهانه، باورها، اولویت‌ها، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و گرایش‌های رفتاری و مهارت‌های مرتبط با این محیط را تعریف می‌کند [proshansky, 1978:155]. برخی مطالعات نشان می‌دهد که هویت مکانی می‌تواند نقش مهمی را در ادراک تغییرات محیطی، ادراک مسائل محیطی و ادراک نواحی عمومی ایفا کند. بدیهی است که هویت مکانی مثبت و قوی ادراک منفی از برخی مسائل محیطی را کاهش می‌دهد و ادراک مثبت جنبه‌های محیطی را افزایش می‌دهد.



تصویر ۶. حاشیه طبیعی و مصنوع (بتنی) و ادراک متفاوت انسانی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶ دید از رود (پل عابر پیاده) به شهر. مأخذ: نگارندگان.

در رابطه با ظرفیت باززنده‌سازی پژوهش‌های تجربی قویاً نشان می‌دهند که مشاهده مناظر طبیعی همانند بازدید از مکان‌های طبیعی و یا حتی مشاهده عکس‌های مناظر طبیعی می‌تواند اثرات مثبت فراوانی داشته باشد و برای مثال استرس را کاهش دهد و احساسات مثبت را تقویت نماید [Ulrich et al., 1991]. از این رو در صورتی که رودخانه خشک در تمام طول سال به صورت مداوم آب جاری داشته باشد می‌تواند تأثیری مثبت در منظره مکانی داشته باشد؛ چراکه با تلاشی اندک و صرف کمی وقت برای مشاهده آنها می‌توان نوعی احساس آزادی و دوری از فعالیت‌های روزمره زندگی را تجربه نمود (تصویر ۶) در راستای این پژوهش از ایده کاپلان کمک گرفته شده است. وی چهار مشخصه را در تجارب باززنده‌سازی در نظر می‌گیرد: دوری، جذابیت، گستردگی و قابلیت سازگاری [Kaplan, 1989] درک محیط مورد مطالعه جهت باززنده‌سازی می‌تواند در طراحی محیطی، برنامه‌ریزی و ایجاد خطی مشی مؤثر باشد و اندازه‌گیری کمیت‌های باززنده‌سازی را در به کار بردن چنین ادراکی کارآمد است.

۷۳

		مؤلفه‌های اصلی		مؤلفه‌های فرعی	
۳۲	ادراک عمومی	در ارتباط با رودخانه	زیبایی‌شناسی	در ارتباط با شهر	کیفیت فضای شهری
			آب		دسترسی‌ها
			احساس آشفته‌گی ناشی از خطر سیل		ایمنی زیرساخت‌ها و عناصر اطراف رود
			آلودگی		
			تنوع		
	هویت مکانی		پیوستگی و تسلسل		
			حسن اعتماد به نفس		
			درجه و میزان تأثیر بر کاربران		
			آرامش		
	ظرفیت باززنده‌سازی		جاذبه		
			وسعت و اندازه		
		سازگاری			
		دوری			

جدول ۳. مردم-ادراک عمومی و مؤلفه‌های اصلی و فرعی مؤثر در ارزیابی.

مأخذ: نگارندگان.

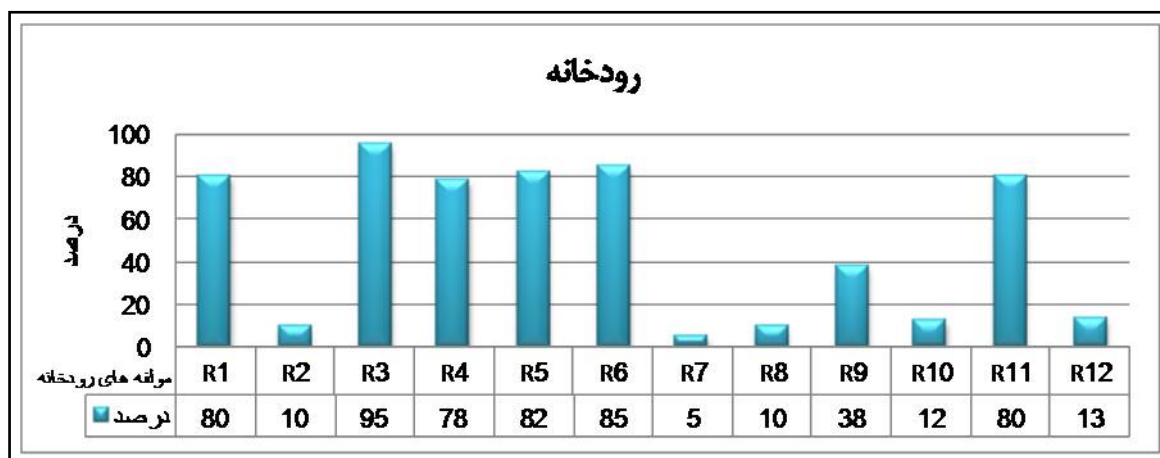
حتی در مورد رودخانه خشک روش‌های مختلف برای شناخت ادراک مردم وجود دارد و پرسش مستقیم از آنها می‌تواند روش کاملاً مطمئنی برای جمع‌آوری اطلاعات باشد. از این رو برای هر دیدگاه مربوط به "مؤلفه‌های مردم" باید بر مبنای مفاهیم مورد نظر یک پرسشنامه مناسب تنظیم شود در این پژوهش از یک پرسشنامه که مجموعه‌ای از معیارهای اساسی برای تعیین

دیدگاه‌های مردمی بود استفاده شد. بخشی از این پرسشنامه بر اساس مشخصه‌های رودخانه، زمینه‌های خاص شهری و سابقه اجتماعی تنظیم شده است تا در انطباق هر چه بیشتر با واقعیات گام بردارد.

یکپارچه‌سازی اطلاعات ادراکات عمومی ارزیابی شناختی به صورت مناسبی روندکار را تسریع می‌بخشد و راهکارهایی را برای فرآیندهای باززنده‌سازی رودخانه ارائه می‌کند. چرا که انتظارات کاربران را مشخص کرده و می‌تواند در تعیین سیاست‌های آینده منظر رودخانه مؤثر باشد و در نهایت منجر به ارتباط بیشتر کاربران با محیط و شناخت آن در فرآیند باززنده‌سازی گردد.

### تفسیر نمودارها و نتایج اولیه

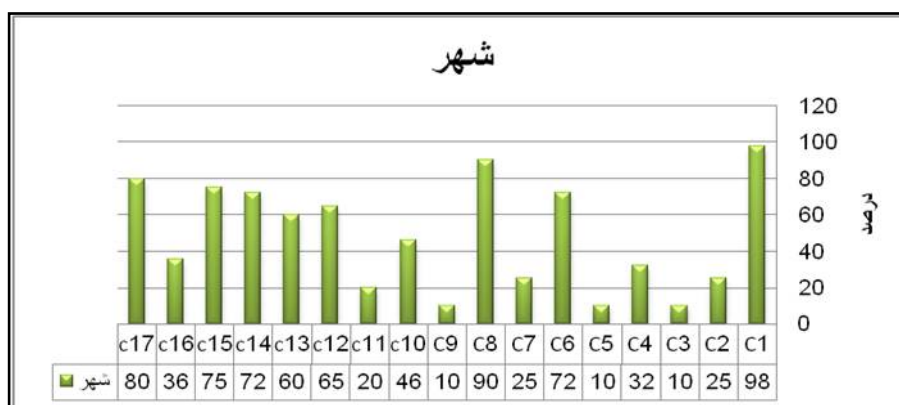
یک روش چند معیاره برای مدلسازی و اجرا و ارزیابی فرآیند بکار رفته است. معیارهای جزئی زیر مجموعه هر معیار از طریق مجموعه‌ای از نشانگرها و توصیف کننده‌ها شامل C معادل شهر، R معادل رودخانه و P معادل مردم ارزش‌گذاری می‌شود که ریز معیار هر یک با اندیس عددی (به تعداد و معادل معیارهای تعیین شده در جداول قبل) کدگذاری شده است. این جدول یک روش سودمند برای نمایش میزان تأثیر مؤلفه‌های ارزیابی بر رودخانه در حالتی است که تمام معیارها دارای ارزش می‌باشند. همچنین مشخص می‌سازد که چه معیارهایی در حداقل سطح ممکن هستند و کدام معیارها سطح مطلوبی را دارند و به این ترتیب می‌توان در فرآیند تصمیم‌گیری باززنده‌سازی رودخانه از معیارهایی که قابل دست‌یابی هستند حمایت کرد. نتایج به دست آمده بر اساس جدول به شرح ذیل است:



جدول ۴. ارزش‌گذاری معیارهای جدول شماره ۱ بر اساس پرسشنامه عمومی و نگاه کارشناسان. مأخذ: نگارندگان.

- رودخانه به عنوان محیط طبیعی و مهم‌ترین عنصر مؤثر مورد ارزیابی در زمینه ریخت‌شناسی و تیپولوژی هم در ارزیابی کاربر محور و هم در ارزیابی کارشناسی دارای پتانسیل بالا شناخته شده که می‌تواند توجه قابل قبولی بر اهمیت توجه به توسعه پایدار منظر رودخانه باشد. اما در زمینه مؤلفه‌های بیولوژیکی و زیستی به علل مختلف از جمله عدم توجه به گونه‌های گیاهی و اکوسیستم‌های درون رودخانه، فعالیت‌های عمرانی حاشیه رودخانه، آلودگی زیست‌محیطی و جایگزینی طرح کاشت غیر مرتبط (به عنوان مثال کاشت صنوبر) به جای کاشت بومی نمره قابل قبولی از بعد کارشناسی نخواهد داشت. نکته جالب توجه در عدم اقبال کاربران نسبت به پوشش‌های جایگزین بود که در پروفایل ارزیابی کاربران قابل مشاهده است.

شهر و محیط مصنوع مرتبط با رودخانه در پنج بعد بررسی شد :



جدول ۵. ارزش‌گذاری معیارهای جدول شماره ۲ بر اساس پرسشنامه عمومی و نگاه کارشناسان. مأخذ: نگارندگان.

کیفیت فضای شهری حاشیه رودخانه بر اساس پروفایل ارزیابی در حد متوسط ارزیابی شده که با نگاه کارشناسان اختلاف چندانی نداشت. عدم وجود کاربری‌های رفاهی و عمومی کافی و کم‌بودن نفوذ بصری به علت بالا بردن دیواره کنار رودخانه به شکل جان پناهی بلند و کم بودن نقاط نشانه شهری از موارد قابل اشاره است.

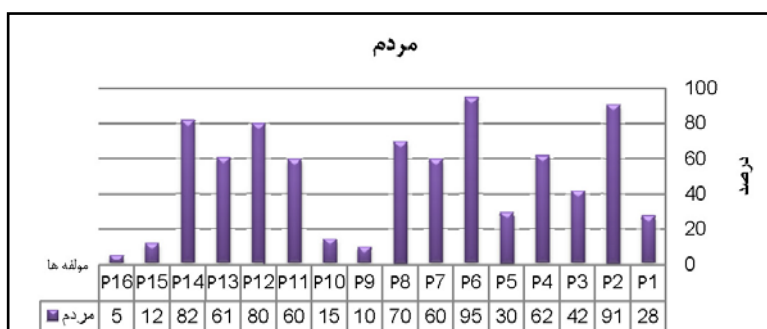
پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، ایستادن و یا توقف در کناره رود، گپ زدن و ... نشان از تنوع نسبتاً مطلوب حاشیه رودخانه دارد که این موضوع نیز بیشتر به دلیل پتانسیل بالای طبیعی و جذابیت آن فراهم شده است.

سطح دسترسی با توجه به وجود پیاده‌رو نسبتاً مطلوب که سراسر حاشیه رودخانه امتداد می‌یابد و نزدیک بودن به شاهراه ارتباط سواره مطلوب است، هرچند سطح پارکینگ‌ها به علت عدم طراحی هدفمند در کناره رودخانه سبب کاهش قابلیت نفوذ بصری شده است و با وجود مهیا بودن شرایط برای استفاده از قایق‌های تفریحی و اقبال عمومی دسترسی به درون رودخانه میسر نیست.

آلودگی رودخانه از بعد زیست محیطی بالا است، نزدیک بودن حاشیه رودخانه به بزرگراه چمران آلودگی صوتی و پارک خودروها در حاشیه بزرگراه و ارتفاع نسبتاً بلند جان پناه کناره رود سبب آلودگی بصری شده است.

مردم به عنوان سومین مؤلفه مهم در این ارزیابی دیده شده‌اند که :

پروفایل ارزیابی کاربران نشان‌دهنده سطح نسبتاً بالای ادراک عمومی در ارتباط با رودخانه است. هویت مکانی امری که یکی از ارکان مهم در پایداری محیطی بوده از نگاه کاربران در سطح پایینی قرار گرفته است. هرچند مؤلفه‌ای نظیر آرامش از دید آنها در اطراف رودخانه مشهود است اما عدم وجود حس اعتماد به نفس، عدم پیوستگی و دخل و تصرف‌های صرفاً عمرانی که سبب از بین رفتن خاطرات ذهنی کاربران می‌گردد هویت مکانی رودخانه را با چالشی جدی مواجه کرده است.



جدول ۶. ارزش‌گذاری معیارهای جدول شماره ۳ بر اساس پرسشنامه عمومی و نگاه کارشناسان. مأخذ: نگارندگان.

ظرفیت باززنده‌سازی با توجه به سازگاری بسیار بالای رودخانه و محیط اطراف، جاذبه‌های طبیعی و وسعت و اندازه رودخانه هم در پروفایل ارزیابی کاربران و هم از نگاه کارشناسان بسیار بالا می‌باشد.

از دیگر نکاتی که می‌توان به آن توجه کرد عبارت است از:

آشکارسازی متنوع مشخصه‌های رودخانه خشک که برخی از آنها بیشتر با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارند و برخی دیگر با منظرهای طبیعی تر و یا حتی زمینه‌های جغرافیایی خاص.

امکان ادراک و فهم بهتر ابعاد متفاوتی که می‌توان آنها را در پروسه باززنده‌سازی رودخانه بهبود بخشید و نیز مقایسه عملکردهای بین رودخانه در بافت‌های مختلف.

### نتیجه‌گیری

تمایل به دیدن زندگی؛ مشاهده مکان‌های زیبا و تمایل به بهسازی مکان‌هایی که اساساً زشت تلقی می‌کنیم بر تغییر منظر اثر می‌گذارد. این تمایل باید در مدیریت و سیاست‌گذاری منظر منعکس شود. مردم به طور مستقیم کیفیت اکولوژیکی را نمی‌توانند حس کنند اگرچه بر اساس فرایندهای تکاملی و انتظارات فرهنگی می‌تواند تمایلی در این زمینه وجود داشته باشد و مردم جهت لذت بردن از منظر می‌توانند عملکردهای اکولوژیک سودمندی را ایجاد کند. در این صورت تجربه منظر می‌تواند ارتقاء یابد و اکوسیستم‌های سالم‌تری را پایدار کند و بنابراین به طور غیرمستقیم منجر به افزایش سطح رفاه و سلامت انسان خواهد شد.

با در نظر گرفتن مواردی که در بالا ذکر شد و این نکته که از قرار دادن سیاست‌هایی بدیهی در ارتقای کیفیت منظر رودخانه (نظیر از بین بردن آلودگی زیست محیطی و غیره) در این قسمت پرهیز شده است سه دسته کلی زیر به عنوان سیاست‌ها و نتایج نهایی جهت دستیابی به پایداری محیطی رودخانه پیشنهاد می‌شود:

#### ۱. تغییر خط برش عمودی رودخانه به حالت ارگانیک اولیه

جداره‌سازی فعلی در رودخانه به صورت بتنی و با مقطعی عمودی رویکردی صرفاً عمرانی جهت کنترل سیلاب دارد و عملاً رودخانه را به کانال بتنی عمیقی تبدیل کرده که نه تنها سبب سرعت بخشیدن به سیلاب‌های احتمالی می‌شود، بلکه به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل عینی-ذهنی با منظر بومی رودخانه منطبق نیست. لذا استفاده از برش‌های طبیعی جداره رودخانه و یا کاهش تدریجی شیب جداره به عنوان سیاست اول پیشنهاد می‌شود.

حذف دیواره‌های بلند سنگی (جان پناه کنار رود) در امتداد با سیاست پیشنهادی فوق اتفاق افتاده که به ارتقای زیبایی‌شناختی منظر رود منجر شده و نهایتاً در دستیابی به پایداری محیطی مؤثر خواهد بود.

### ۲. اصلاح الگوی کاشت فعلی (طرح کاشت صنوبر)

کاشت درختان به صورتی خطی در جداره رودخانه بدون توجه به بوم و پوشش گیاهی سرزمینی سبب از بین رفتن هویت مکانی به دلیل خدشه‌دار کردن تصویر ذهنی کاربران بومی خواهد شد. شناسایی اکوسیستم و پوشش‌های گیاهی بومی رودخانه و جایگزینی آن با طرح کاشت فعلی البته به صورتی ارگانیک و نه خطی به عنوان سیاست دوم پیشنهاد می‌شود.

### ۳. عدم استفاده از فضای داخلی رودخانه به عنوان پارک آبی یا نظایر آن (توجه به اکولوژی و بوم).

منظر ذهنی رودخانه خشک به عنوان رودی فصلی توسط سکنه بومی منطقه در طول تاریخ و در تعامل انسان و محیطش شکل گرفته، پذیرفته‌شده و خاطره‌ساز گشته است؛ لذا به مثابه منظر فرهنگی شهر واجد ارزش‌های میراثی بوده و هرگونه دخل و تصرف در منظر آن (با شیوه‌های سطحی) به عدم پایداری محیطی منجر خواهد شد.

لذا شناخت منظر رود به مثابه منظری میراثی به عنوان سیاست سوم در هرگونه تصمیم‌سازی پیشنهاد می‌شود.

گذشته و خاطرات ذهنی بر پایه ذهنیات کنونی ما ثبت می‌شود اما ایستا و ثابت نیست بلکه تغییر می‌کند و عوض می‌شود. منظر نیز تغییر می‌کند ولی بسیار آهسته این موضوع زنجیره‌ای حیاتی است بین آنچه ما بوده‌ایم و آنچه خواهیم شد. این یکی از دلایلی است که ما درک عمیق و همراه با غم و اندوه را در زمان از دست دادن یک منظر خاطره‌انگیز داریم. ما فقط مکان آن منظر را از دست نمی‌دهیم بلکه خودمان را و تداوم بین تغییرات ادوار گوناگون زندگی مان را از دست می‌دهیم.

بنابراین طراحی متناسب، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و مدیریت می‌تواند مناظر جذاب به لحاظ زیبایی‌شناسی را ایجاد کرده و مناظری سودمند از نظر اکولوژیکی به وجود آورد که در بعد فرهنگی نیز پایدار باشند. امید است این پژوهش بتواند به ارزیابی و طراحی رودخانه خشک شیراز کمک کرده تا در تعریف اولویت‌ها در فرآیندها و خط‌مشی‌های باز زنده سازی شهری سودمند باشد و ارزش‌های پایدار منظر در آنها در نظر گرفته شود و نه تنها در فرآیند تصمیم‌گیری رویه‌های دقیق کارشناسی لحاظ شود بلکه از اطلاعات بدست‌آمده از بررسی‌های عمومی و بخشی و ارزیابی ارزش‌های فردی و انسانی نیز استفاده شود و در نهایت به یک تصمیم عملی در جهت باززنده‌سازی رودخانه خشک بینجامد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. Barton. ۲. Cosgrove. ۳. Semiotic.

### فهرست منابع

- اسپیرن، آن. ۱۳۸۴. **زیان منظر**، ت: سید حسین بحرینی و بهناز امین زاده. دانشگاه تهران. تهران.
- برک، اگوستن. ۱۳۸۷. **منظر، مکان، تاریخ**، ت: مریم‌السادات منصور. فصلنامه باغ نظر. سال پنجم. شماره نهم.
- بل، سایمون. ۱۳۸۲. **منظر، الگو، ادراک، فرآیند**، ت: بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول. تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۵. **مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری**، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری. نشر شهیدی. چاپ اول.
- شولتز، کریستین نوربرگ. ۱۳۸۲. **گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان**، ت: ویدا نوروزی برازجانی. نشر جهان.

- گوته، یوهان ولفگانگ فن. ۱۳۷۹. «دیوان غربی - شرقی»، ت: کوروش صفوی. انتشارات مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و نشر هرمس. تهران.
- عزیزی، محمد مهدی. ۱۳۸۰. توسعه شهری پایدار: برداشت و تحلیلی از دیدگاه‌های جهانی، نشریه علمی پژوهشی صفا. دانشکده معماری و شهرسازی. دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۳۳. صص ۲۷-۱۵.
- لینچ، کوین. ۱۳۸۷. سیمای شهر، ت: منوچهر مزینی. انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- لینچ، کوین. ۱۳۸۴. تئوری شکل شهر، ت: سید حسین بحرینی. چاپ سوم. انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- مسکن و شهرسازی فارس. ۱۳۷۰. طرح جامع شیراز، چاپ مصطفوی شیراز.
- Antrop, M., 2006. **Sustainable landscapes: contradiction, fiction or utopia?** Landscape Urban Plan 75 (3-4), 187-197.
- Austad, I., 2000. **The future of traditional agriculture landscapes: retaining desirable qualities.** In: Klijn, J., Vos, W. (Eds.), From Landscape Ecology to Landscape Science. Kluwer Academic Publishers, WLO, Wageningen, pp. 43-56.
- Cosgrove, D., 2002. **Landscape and the European sense of sight - eyeing nature.** In: Anderson, K., Domosh, M., Pile, S., Thrift, N. (Eds.), Handbook of Cultural Geography. SAGE Publications, London, pp. 249-268, Chapter 12.
- Cosgrove, D., 2003. **Landscape: ecology and semiosis.** In: Palang, H., Fry, G. (Eds.), Landscape Interfaces. Cultural Heritage in Changing Landscapes. Kluwer Academic Publishers, Dordrecht, pp. 15-20.
- Council of europ.2000. **the European landscape convention**  
[http://www.coe.int/t/dg4/cultureheritage/conventions/landscape/default\\_en.asp](http://www.coe.int/t/dg4/cultureheritage/conventions/landscape/default_en.asp). november 16,2008.
- EC 2000. **Water Framework Directive (2000/60/EC)**, Official Journal (OJ L 327), 22 December, European Commission.
- Kaplan, S. 1995. **The restorative benefits of nature: Toward an Integrative Framework.** Journal of Environmental Psychology, 15, 169-182.
- Lorzing, H., 2001. **The Nature of Landscape. A Personal Quest.** 010 publishers, Rotterdam, p. 176.
- Manning, O. D. 1997. **Design Imperatives for River Landscapes**, in Landscape Research, 22, 1: 67-94.
- Mingers, J.2001. **Multimethodology -mixing and matching methods in Rosenhead**, j et al, Rational analyses for a problematic world revisited, john wily and sons, ltd.
- Naveh, zev. 2007. **landscape ecology and sustainability**, landscape and urban planning.
- Proshansky, H.M. 1978. **The city and self-identity.** Environment and Behavior, 10, 147-169.
- Palang, H., Fry, G., 2003. **Landscape Interfaces. Cultural Heritage in Changing Landscapes.** Kluwer Academic Publishers, Dordrecht.
- Pedroli, B. (Ed.), 2000. **Landscape - Our Home. Lebensraum Landschaft. Essays on the Culture of the European Landscape as a Task.** Indigo. Zeist - Freies Geistesleben, Stuttgart
- Phillips, Christine (2003), **Sustainable Place; A Place of Sustainable Development**, WILEY-ACADEMY.
- Silva, J., Saraiva, G., Ramos, I.L., Bernardo, F., Monteiro, F. Câmara, C. (2003a) **Classification of the aesthetic value of the selected urban rivers. Methodology.** Project Deliverable 4-2, URBEM Project, CESUR, IST, Lisbon.
- Swaffield, S.R., 2005. **Landscape as a way of knowing the world.** Chapter One in Harvey, S and Fieldhouse K (eds) designing the environment in the 21st century. Abingdon, Oxon, UK; Routledge, pp 3-24.
- Ulrich, R.S.; Simons, R.F.; Losito, B.D.; Fiorito, E.; Miles, M.A.; Zelson, M. 1991. **Stress Recovery during exposure to natural and urban environments.** Journal of Environmental Psychology, 11, 201-230.